

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: ویاجسلاو تتکین، دکترای علوم در تاریخ
برگردان: مسعود امید
۰۴ اپریل ۲۰۲۲

چگونه ایالات متحده، اوکراین را به زور وارد جنگ کرد؟

اول اپریل ۲۰۲۲



عملیات ارتش روسیه در اوکراین از شرایط مهمی که منجر به ظهور تحولات کنونی شد، پرده برداشت. اکنون مشخص شده است که اوکراین از مدت‌ها پیش آماده جنگ بوده است. به عبارت دقیق‌تر، مدت زیادی بود که اوکراین را برای جنگ آماده کرده بودند. به علاوه، بر مبنای شباهت وقایع رخ داده در زمانی دیگر و در نقطه ای دیگر از جهان، می‌توان از الگوی استاندارد سخن گفت که امریکا برای دستیابی به اهداف ژئوپلیتیک خود استفاده می‌کند. اقدامات روسیه در اوکراین، برای بسیاری غیرمنتظره به نظر می‌رسد. با این حال، روسیه به صورتی هدفمند در این وضعیت قرار گرفت. همه چیز با کودتای اوکراین در فبروری سال ۲۰۱۴ آغاز شد، زمانی که نیروهای شدیداً ضد روسی با حمایت ایالات متحده و نئونازی‌های محلی در کیف به قدرت رسیدند. نتیجه کودتا به بازگرداندن کریمه به روسیه منجر شد. این نه به دلیل مداخله روسیه، بلکه به دلیل تمایل آشکار مردم این شبه‌جزیره برای بازگشت به روسیه اتفاق افتاد. سپس قیامی در دونباس رخ داد که کیف به دلیل مقاومت نیروند مردم روس زبان آن، در سرکوب آن با شکست مواجه شد.

با این حال، اگرچه دونباس یک منطقه کاملاً روسی است که هرگز قبل از سال ۱۹۲۲ بخشی از اوکراین نبوده است، در میان نازی‌های اوکراین این قیام به عنوان یک تصرف ارضی و به عنوان یک احساس حقارت ملی تعبیر شد و در صدد انتقام برآمدند... پس از تلاش‌های ناموفق برای تصرف دونباس در بهار سال ۲۰۱۵، کی‌یف تصمیم گرفت خود را برای از بین بردن استقلال دونباس به صورت کامل آماده کند.

واقعیت این است که ارتش اوکراین در جریان به اصطلاح «اصلاحات» آغاز شده در سال ۱۹۹۱، به طور قابل توجهی آسیب دید و تا سال ۲۰۱۴ نیروی نظامی قدرتمندی نبود. تجهیزات نظامی آن از بین رفت. به دلیل حقوق‌های بسیار پائین، روحیه افسران و سربازان پائین بود. ارتش اوکراین نمی‌خواست و نمی‌توانست بجنگد. فقط گردان‌های نازی که توسط نیروهائی که در کودتای فبروری سال ۲۰۱۴ شرکت داشتند، متشکل شده بودند، در واقع قادر به جنگ بودند.

بنابراین، منابع مالی کشور از امور ارتقاء رفاه ملت به تقویت نیروهای مسلح انتقال یافت. بودجه نظامی اوکراین از ۱.۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴ به ۸.۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ (۵.۹ درصد از تولید ناخالص داخلی این کشور) رسید. برای مقایسه، برای فرهنگ در سال ۲۰۲۱ تنها بودجه ۸۴ میلیون دلار اختصاص یافت. (۰.۵ درصد از تولید ناخالص داخلی). ایالات متحده به صورت ناموفقی ۲ درصد از تولید ناخالص داخلی متحدان ناتو را برای هزینه‌های نظامی طلب می‌کند. و اوکراین که به سرعت فقیر شده بود و سخت دنبال وام‌های صندوق بین‌المللی پول و اتحادیه اروپا بود، برای اهداف نظامی سه برابر بیشتر از کشورهای توسعه‌یافته غرب هزینه کرد.

حتی لازم نیست در باره تمرکز نیروها یا برنامه‌های عملیاتی طرح‌ریزی شده صحبت شود. همین ارقام هزینه‌های نظامی نشان می‌دهد که این کشور در حال آماده شدن برای یک جنگ بزرگ بود. بر کسی پوشیده نیست که اوکراین از نظر تصمیم‌گیری ستراتیژیک پس از سال ۲۰۱۴، نه توسط دولت این کشور، بلکه توسط دیپارتمان وزارت امور خارجه ایالات متحده به نمایندگی سفارت امریکا در کی‌یف اداره می‌شد. صدها مربی از ایالات متحده و سایر کشورهای ناتو در آموزش ارتش اوکراین شرکت کردند. اوکراین تحت نظارت ایالات متحده در حال آماده شدن برای جنگ بود.

بودجه هنگفتی صرف بازسازی تجهیزات نظامی شد. در طول جنگ علیه دونباس در سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۱۴، اوکراین از پشتیبانی جنگی هوائی استفاده نکرد، چراکه همه هواپیماهای جنگی آن نیاز به تعمیر داشتند. با این حال، در فبروری سال ۲۰۲۲ حدود ۱۵۰ فروند جنگنده، بمب افکن و هواپیمای تهاجمی در نیروی هوائی اوکراین وجود داشت. چنین افزایش و تجمعی از نیروی هوائی، تنها می‌توانست به معنای تصمیم به تصرف دونباس باشد.

در همان زمان، استحکامات قدرتمندی در مرز دونباس و اوکراین ایجاد شد که قادر به مقاومت در برابر حملات تلافی‌جویانه توپخانه روسیه بود. شروع جنگ برای پایان فبروری - اوایل مارچ سال ۲۰۲۲ برنامه‌ریزی شده بود. نکته قابل توجه این است که حقوق سربازان در پایان سال ۲۰۲۱ به اندازه ۳ برابر و از ۱۷۰ دلار به ۵۱۰ دلار افزایش یافت (!). دولت اوکراین به طور چشمگیری تعداد نیروهای مسلح خود را افزایش داد.

تا جایی که به آموزش روحی و روانی پرسنل نظامی مربوط می‌شود، اگرچه در سال ۲۰۱۴ پرسنل نیروهای مسلح اوکراین تمایلی به جنگیدن نداشتند، پس از ۸ سال شست و شوی مغزی سنگین با یک روحیه خشن ملی‌گرائی افراطی و با روحیه روس‌هراسی هار، وضعیت تغییر کرد. به علاوه، این روند فقط در ارتش بنا نهاده نشد.

کل جمعیت اوکراین قربانی شست و شوی مغزی سنگینی شده‌اند. هنگامی که ما در روسیه درباره مردم برادر اوکراین صحبت می‌کردیم (و همچنان صحبت می‌کنیم)، رسانه‌های جمعی اصلی این کشور، تصویری از روسیه به عنوان دشمن ایجاد کرده بودند و تعمداً تنفر مردم را نسبت به روس‌ها برانگیختند.

در ابتداء، فرصت تحصیل به زبان روسی در مدارس به میزان قابل توجهی کاهش یافت. بعداً کتاب‌های درسی در مورد تاریخ را به کودکان معرفی کردند که روس‌ها را دشمن و ساکنان دونباس را تجزیه‌طلب و تروریست نشان می‌دادند که اقدام به جنگ علیه آن‌ها عمل پسندیده‌ای است. چنین ایده‌هایی نه تنها در کتاب‌های درسی برای کودکان، بلکه در دستورالعمل‌های روش شناختی برای معلمان نیز وجود داشت.

بنابراین، عجیب نیست که حتی بر اساس برآوردهای نمایندگان کنگره آمریکا، اوکراین به مرکز نازیسم بین‌المللی تبدیل شده است. استهزاء وحشتناک زندانیان، شکنجه سربازان مجروح روسی، که حتی سازمان ملل نیز مجبور به پاسخگویی به آن شد، پیامد مستقیم «فرهنگ نفرت» است که سال‌هاست بر اوکراین تحمیل شده است. تاریخ اوکراین از مواضع آشکارا روس‌هراسی و ضد کمونیستی بازنویسی شده است.

اولین مرحله از آماده‌شدن اوکراین برای جنگ تا پایان سال ۲۰۲۱ با موفقیت به پایان رسید. توانائی رزمی ارتش اوکراین احیاء شده، تجهیزات نظامی تعمیر و مدرن شد، روحیه مردم بر اساس روسوفوبیا پرورش داده شد. نفرت از «تروریست‌ها» و «تجزیه‌طلبان» دونباس در ذهن نظامیان ایجاد شد. ارتش اوکراین و گردان‌های نازی به عنوان بخشی از وزارت امور داخلی، آماده جنگ بودند.

شکل‌گیری نازیسم در المان نیز به همین شیوه پیش رفت، ابتداء احساس حقارت ناشی از شکست در جنگ جهانی اول، ایده‌های انتقام‌گیری توسط هیتلر، و سپس کمک سرمایه انگلیس-آمریکائی در احیای ماشین جنگی المان. این گونه بود که نازیسم اوکراین پس از شکست‌هایی که در سال‌های ۱۹۴۵-۱۹۵۳ در غرب اوکراین متحمل شد، شروع به احیاء کرد. اما الان در سراسر کشور است.

با این وجود، حتی ارتش مدرن اوکراین نیز نتوانست به روسیه حمله کند. توازن قواء آشکارا به نفع کی‌یف نبود. بنابراین، ایالات متحده دو گزینه برای استفاده از اوکراین جدید و نظامی شده تحت حاکمیت نئونازی‌ها در برنامه قرار داده است. اولین مورد، تصرف دونباس و در صورت جفت و جور شدن موفقیت آمیز شرایط، اقدام به تهاجم به کریمه بود. گزینه دوم، تحریک مداخله مسلحانه روسیه بود.

به منظور تشویق مسکو به اتخاذ موضع فعال‌تر، مدام گزارش‌هایی از پایتخت‌های غربی به مسکو می‌رسید مبنی بر این که اروپا و آمریکا از ناپایداری اوکراین خسته شده‌اند و در آرزوی خلاص شدن از این درگیری طولانی مدت هستند. ایالات متحده شروع به اعلام این نکته کرد که در صورت ورود ارتش روسیه به اوکراین، هیچ گونه مداخله نظامی مستقیمی وجود نخواهد داشت.

همه این‌ها بشدت به نحوه برخورد آمریکا با عراق شباهت دارد. آن‌گونه که مشخص است، عراقی‌ها قبل از ورود به کویت (که عراق آن را سرزمین خود می‌دانست که به طور غیرقانونی توسط انگلیس‌ها از آن جدا شده بود)، سعی کردند نظر ایالات متحده را جویا شوند. سفیر آمریکا در کویت از بی‌تفاوتی آمریکا نسبت به این موضوع خبر داد. اما به محض هجوم نیروهای عراقی به کویت، آمریکا فوراً یک ائتلاف نیرومند ضد عراقی ایجاد کرد و دستور خروج نیروها از کویت را صادر و محاصره اقتصادی عراق را سازماندهی کرد که منجر به حمله آمریکا به عراق و قتل صدام حسین شد.

روسیه فهمید که قرار گرفتن اوکراین تحت فرمان ایالات متحده خطری بسیار واقعی ایجاد می‌کند. در دسامبر سال ۲۰۲۱، مسکو درخواستی را به ناتو در مورد انجام اقداماتی برای تضمین منافع مشروع روسیه ارائه کرد. غرب با اطلاع از این که مقدمات حمله به دونباس به صورت کامل در حال انجام است، با تکبیر این خواسته‌ها را نادیده گرفت. آماده‌ترین واحدهای رزمی ارتش اوکراین با ۱۵۰ هزار نفر در مرز دونباس متمرکز شده بودند. آن‌ها می‌توانستند

مقاومت میلیشای مردمی دونباس را در عرض ۲ تا ۳ روز با نابودی کامل دونتسک درهم بشکنند و خون بسیاری از مدافعان جمهوری خلق دونتسک را بریزند. روسیه برای جلوگیری از شدیدترین پیامدهای سیاسی و برای مسائل بشردوستانه، مجبور به مداخله شد.

اکنون فریادهای وحشیانه‌ای از غرب دربارهٔ به قول خودشان «امپریالیسم» روسیه می‌آید. با این حال، تقصیر آنچه اکنون در اوکراین در حال اتفاق افتادن است، به صورت کامل با ایالات متحده و متحدانش است که از مردم برادر اوکراین به عنوان سلاحی در نقشه‌های بدخواهانهٔ خود برای حفظ سلطه بر جهان استفاده کرده‌اند.